

کودکِ قهرمانِ من

دکتر سولماز مغیری

(مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان)

سیده زهرا امیرآبادی، زهرا کاظمی، انسیه دهقان

عنوان و نام پدیدآور: کودک قهرمان من / سولماز مظفری ... و دیگران.

مشخصات ظاهری: ۵۴ ص. وزیری

یادداشت: سولماز مظفری، سیده زهرا امیرآبادی، زهرا کاظمی، انسیه دهقانی.

موضوع: داستان‌های کودکان -- جنبه‌های روانشناسی

موضوع: Children's stories -- Psychological aspects

موضوع: داستان‌های کودکان -- تاریخ و نقد

موضوع: Children's stories-- History and criticism

موضوع: شخصیت‌های داستانی -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع: Fictitious characters -- Psychological aspects

رده بندی کنگره: ۷۲۳BF/۹۵۲۹ ۱۳۹۸

رده بندی دبیری: ۴/۱۰۶

شماره کتابشناسی: ۵۶۲۴۳۰۷۰

کد پیگیری: ۶۲۲۳۴۲۰

انتشارات سرگرمی کد ۱۴۲۷۴

محل نشر: مشهد - خیابان مهری شمالی ۱۹

عنوان کتاب: کودک قهرمان من

نویسندگان: دکتر سولماز مظفری (مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی)

دانشگاه فرهنگیان

سیده زهرا امیرآبادی، زهرا کاظمی، انسیه دهقانی

صفحه آرای: عاطفه ابراهیمی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۷

قطع کتاب: (وزیری)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۵۹-۲۷-۲

قرن بیستم همراه با نظریه‌های جدید نقد ادبی، دیدگاه نوینی از آثار ادبی را بر روی خوانندگان گشود و آنها را با ابعاد شگرف و تازه ای در این آثار آشنا ساخت. «نقد کهن الگویی» یا «نقد اسطوره ای» یک نوع از نقد نوین است که در حقیقت یکی از زیرمجموعه‌های نقد روان‌شناختی محسوب می‌گردد. این نوع نقد «به کشف ماهیت و ویژگی‌های اسطوره‌ها و کهن الگوها و نقش آن در ادبیات می‌پردازد. منتقدان این شیوه عمیقاً در جستجوی صورت های مثالی و کهن الگویی در آثار ادبی هستند و به تعبیر دیگر از رابطه ادبیات و هنر با اعماق سرشت بشری سخن می‌گویند؛ زیرا اثر هنری را تجلی نیروهای پویا و ذاتی برخاسته از اعمال روان جمعی بشریت می‌انگارند» (ادبی، ۱۳۸۵: ۲۰۲). اساس نقد کهن الگویی این است که بیان ادبی، محصول ناخودآگاه تجربه جمعی نوع بشر است. منتقد در این نوع نقد توجه و مطالعه خود را معطوف به بررسی کهن الگوهای متن می‌سازد. این نوع نقد، هر ژانر ادبی را به منزله بخشی از کل ادبیات مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌دهد. «اصل پایه ی نقد کهن الگویی این است که کهن الگوها- تصاویر، شخصیت ها، طرح‌های رایج و جریان مایه های فرعی و سایر پدیده های نوعی ادبیات - در تمام آثار ادبی حضور دارند و به این ترتیب شالوده ای را برای مطالعه ی ارتباطات متقابل اثر فراهم می آورد» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۴۰۱).

در روان‌شناسی تحلیلی یونگ که ادامه سنت فکری اندیشمندانی چون افلاطون و کانت قرار دارد، روان در هنگام تولد لوحی سپید و نانوشته نیست، بلکه حامل الگوهایی است که یونگ با توجه به دیرینگی آنها و این که همه آدمیان در آن شریکند به آنها نام «آرکی‌تایپ» یا «کهن الگو» می‌دهد. این الگوهای کهن که ساختار ناخودآگاه جمعی را تشکیل می‌دهند، چیزی نیستند جز توان و استعدادی بالقوه که در پاسخ به انگیزه‌های بیرونی فعال می‌شوند و به صورت های گوناگون در رویا و آفرینش‌های هنری تجلی و نمود می‌یابند. این تصورات باستانی و کهن در نوشته‌های فارسی با عناوین آغازینه، سرنمون، صورت مثالی، صورت ازلی، صورت اساطیری و نمونه دیرینه ترجمه شده است.

آنچه بیش از هر چیز سبب مطرح گردیدن کهن‌الگوها می‌شود، مساله سفر قهرمانی هر شخص در زندگی اوست که برای رسیدن به کمال و خودشناسی آن را طی می‌کند. بسیاری از نویسندگان چون جوزف کمپبل، کریستوفر وگلر^۱، رابرت جانسون، کارول اس. پیرسون و هیو.کی. مار سفر قهرمانی را به عنوان الگویی برای روند رشد فردیت مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و بر این باورند که بشر در این سفر به شناخت عمیقی از خود پی می‌برد و معانی مهم زندگی خود را درمی‌یابد. گفتنی است با توجه به رابطه عمیق ادبیات و روان‌شناسی و این امر که یک اثر ادبی را می‌توان از جنبه‌های گوناگون موضوعی، صوری، درون‌مایه و هرمنوتیک بررسی نمود، یکی از این زوایا رابطه تنگاتنگی است که نقد ادبی با نظریه‌های غالب روان‌شناسی دارد. رمان‌ها و داستان‌های ادبیات کودک و نوجوان نیز از این امر مستثنا نیستند.

گفته شد امروزه بررسی ادبیات از دیدگاه علوم مختلف از جمله روان‌شناسی اهمیت یافته است. نقد روان‌شناختی - نقد کهن‌الگویی که به نوعی زیرمجموعه همان نقد روان‌شناختی است، از نظریه‌های مدرن در نقد ادبی محسوب می‌گردند و این مطلب را بیان می‌کنند که چگونه ذهن خالق یک اثر به طرز خودآگاه (یا ناخودآگاه) از عناصر روان‌شناختی و کهن‌الگویی سرچشمه گرفته، آنها را به شیوه‌ای نمادین به معرض نمایش قرار داده است. به نظر می‌رسد این نگاه نوین و تا حدی نوپا به متون ادبی، کمک شایانی به فهم لایه‌های زیرین اثر، هم چنین درک ژرف-ساخت‌های روانی یک اثر می‌نماید. در این اثر سعی بر این شده است سفر قهرمانی درون براساس طبقه‌بندی مراحل جوزف کمپبل در سه داستان سیندرلا، نوکیو و شازده کوچولو مورد بررسی قرار گیرد. حضور شخصیت‌های داستانی که دچار تحول شخصیتی در زندگی داستانی خود می‌شوند، نشان از تحول درونی و شخصیتی آنان دارد که مختص آن به دگرگونی روحی و روانی دعوت می‌کند. به نظر می‌رسد می‌توان این نظریه را در بسیاری از داستان‌ها و رمان‌های کودک و نوجوان که پیامی به سوی کمال‌گرایی دارد، مشاهده کرد.

سولماز مظفری / خزان ۱۳۹۷

^۱ Christopher Vogler